

بررسی ویژگی‌های فرمی و روند محتوای اجتماعی در شعر سیمین بهبهانی

مریم دهبندی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان
maryam_dehbandi@yahoo.com

چکیده

جستار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی ویژگی‌های فرمی و روند محتوای اجتماعی در شعر سیمین بهبهانی پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن است که در نخستین سروده‌های سیمین بهبهانی، جلوه‌ها و پدیده‌های زندگی امروز، حضور کمتر دارند و بیشتر به گونه‌های سطحی، خام و سنتی بیان شده‌اند، اما در مجموعه‌های آخر او اشعاری پخته با ساختاری استوار، جلوه‌های گوناگون دنیای امروز را می‌تابند. دو عامل مهم فقر و سرخوردگی عاطفی که ریشه بسیاری از معضلات اجتماعی است، از مفاهیم اصلی نخستین سروده‌های سیمین بهبهانی بود. البته در اوایل دوره شاعری، او نیز هم‌چون بیشتر شاعران رمانتیک، بیشتر آه و ناله سر می‌دهد و به مرحله تحلیل و ارائه راه‌حل نمی‌رسد. در بیشتر سروده‌ها عاطفه شعر عمق و گسترش یافته و شعر در دایره لحظه‌ای خاص محدود نمانده است و برداشت از کل شعر منحصر به زمان و مکان خاصی نمی‌شود. از این رو شاعر، ضمن فاصله گرفتن تدریجی از غزل گذشته، سعی کرده تا به نوآوری‌هایی دست یابد. از دهه شصت به بعد است که بسیاری از ضوابط مرسوم غزل در شعر سیمین شکسته می‌شود و حیاتی تازه می‌یابد. او در این دوره، جهان معاصر خود را با همه ویژگی‌هایش، با زبانی امروزی به شعر می‌کشد و با مخاطبان خود به‌سادگی پیوند می‌خورد. به‌طور کلی سیمین بهبهانی هم به لحاظ «چه‌گفتن» و هم به لحاظ «چگونه گفتن» شاعر موفقی است. در نخستین مواجهه با اشعارش، کاربرد اوزان تازه و بی‌سابقه و تنوع و تعداد اوزان عروضی چشم‌گیر است. او با نوآوری در اوزان شعری خود حال و هوا و طراوتی خاص به اشعارش بخشیده و با پرداختن به مفاهیم و مضامین روز در قالب اوزان تازه شیوه‌ای جدید و نآزموده را در شعر پارسی پدید آورده است.

واژگان کلیدی: سیمین بهبهانی، ویژگی‌های فرمی، محتوای اجتماعی، شعر، غزل.

۱- مقدمه

سیمین خلیلی معروف به سیمین بهبهانی (۱۳۹۳-۱۳۰۶)، نویسنده و غزل‌سرای معاصر ایرانی و از اعضای کانون نویسندگان ایران بود. او در طول زندگی‌اش بیش از ۶۰۰ غزل سرود که در ۲۰ کتاب منتشر شده‌اند. شعرهای سیمین بهبهانی موضوعاتی هم‌چون عشق به وطن، زلزله، انقلاب، جنگ، فقر، تن‌فروشی، آزادی بیان و حقوق برابر برای زنان را در بر می‌گیرند. او به خاطر سرودن غزل فارسی در وزن‌های بی‌سابقه به «نیمای غزل» معروف است. بهبهانی از جمله غزل‌سرایان نوگرایی است که ضمن تأثیرپذیری از جریان‌های شعر معاصر، ادبیات سنتی را مایه‌بخش ادبیات مدرن می‌داند و معتقد است «شعر سنتی درختی کهن است و شعر نو، نهالی جوان که از هسته درخت کهن می‌روید، همان است و همان نیست، قطع رابطه با زبان دیروز، ناممکن است، اما تغییر و هنجارآفرینی و بدعت‌گذاری در آن ناگزیر» (بهبهانی، ۱۳۷۸). سیمین بهبهانی را هم‌چنین «بانوی غزل معاصر» نیده‌اند. از این رو در مقاله حاضر، ویژگی‌های فرمی و روند محتوای اجتماعی در شعر سیمین بهبهانی، مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- روش تحقیق

این پژوهش به روش اسنادی و کتابخانه‌ای و با ابزار فیش‌برداری تنظیم شده است که بر اساس منابع و کتب مبسوط، معتبر، مرتبط و پژوهش‌هایی که در خصوص و مربوط به سیمین بهبهانی و نوآوری در شعر فارسی و حوزه‌های مرتبط انجام گرفته استخراج شده است. حوزه پژوهش نیز شامل کلیه کتب و منابع نوشته شده در حوزه مربوط به پیرامون موضوع است و جهت نمونه‌گیری به علت وجود منابع مختلف در این زمینه از کلیه مکتوبات چاپی و دیجیتالی در دسترس استفاده شده است. نگارنده با شیوه کتابخانه‌ای تمامی اطلاعات مربوط به موضوع پژوهش را گردآوری کرده و پس از ارتباط موضوعی آن‌ها، به شیوه توصیفی - تحلیلی، ویژگی‌ها و روند سرایش شعر سیمین بهبهانی را مورد بررسی قرار داده است.

۳- پیوند اشعار سیمین بهبهانی با زندگی معاصر

سیمین بهبهانی، زمانی اولین چهارپاره‌های خود را (مجموعه «جای پا») می‌سرود که اوضاع کشور در سال‌های دهه بیست و بعد از آن بسیار نابسامان و از هم گسیخته بود، بسیار طبیعی است که شاعری مفهوم‌گرا چون سیمین بهبهانی شعرش را آینه‌ای برای انعکاس مشکلات و معضلات مردمی قرار دهد که پیرامونش زندگی می‌کنند. او نمی‌تواند بی‌تفاوت و بی‌اعتنا از چنین مسائلی بگذرد و شعرش را به شعور اجتماعی تبدیل نکند. شاعر، زاده شعر است و آشنا با مسائل شهرنشینی، بنابراین مخاطبان اصلی او، همین طبقات محروم و فقیر هستند. دو عامل مهم فقر و سرخوردگی عاطفی که ریشه بسیاری از معضلات اجتماعی است، از مفاهیم اصلی نخستین سروده‌های سیمین بهبهانی بود. البته در اوایل دوره شاعری، او نیز هم‌چون بیشتر شاعران رمانتیک، بیشتر آه و ناله سر می‌دهد و به مرحله تحلیل و ارائه راه‌حل نمی‌رسد. ویژگی مهم سروده‌های دوره اول او، فقدان تصاویر و فضاهای تازه و امروزی‌ست، گرچه به مضامین متنوع و جدید چون زندگی کارمندی، خودفروشی، روسپی‌گری، مهاجرت روستایی، دوره‌گردی، ولگردی، طلاق، جیب‌بری، کارگری و... اشاره شده است (فوران، ۱۳۸۰).

برای نمونه در شعر زیر، شاعر خبر یک روزنامه را (زنی جگرگوشه خود را بر سر راه می‌گذارد) دست‌مایه سرودن چهارپاره‌ای کرده، اما این خبر در یک فضای سنتی بیان شده است و نشان می‌دهد که تأثر او لحظه‌ای، موقتی و سطحی است (حسن لی و حیدری، ۱۳۸۵).

تا مگر یابم یکی مانای او
لرزه بر اندام من سیماب‌وار
(سیمین بهبهانی، ۱۳۸۲)

نقش یاران را کشیدم در خیال
از صدای پای سنگینی فتاد

شعر این‌گونه تمام می‌شود:

خوردن سگ کودک نوزاد را
(همان، ۱۳۸۲)

داد می‌زد آبی فوق‌العاده، آبی

درحالی‌که در مجموعه‌های بعد، در بیشتر سروده‌ها عاطفه شعر عمق و گسترش یافته و شعر در دایره‌ی لحظه‌ای خاص محدود نمانده است و برداشت از کل شعر منحصر به زمان و مکان خاصی نمی‌شود. (حسن لی و حیدری، ۱۳۸۵)

خشم است و آتش نگاهش، یعنی تماشا ندارد
بس نوجوان است و شاید، از بیست بالا ندارد
رفته‌ست و خالی‌ست جایش، مردی که یک پا ندارد
(همان، ۱۳۸۲)

شلوار تاخورد دارد، مردی که یک پا ندارد
رخساره می‌تابم از او، اما به چشمم نشسته
رو می‌نهم سوی او باز، تا گفت‌وگویی کنم ساز

در مجموعه رستاخیز، مسائل اجتماعی - سیاسی جامعه به تدریج رنگ تازگی و امروزی به خود گرفته است. شاعر، ضمن فاصله گرفتن تدریجی از غزل گذشته، سعی کرده تا به نوآوری‌هایی دست یابد: (حسن لی و حیدری، ۱۳۸۵)

درس امروز فعل مجهول است
نسبت فعل ما به مفعول است
پاسخ من سکوت بود، سکوت
رفته بودی به عالم هیپروت
بچه‌ها گوش لاله سنگین است؟
درس در گوش لاله یاسین است؟

(بهبهانی، ۱۳۸۲)

بچه‌ها صحبتان بخیر، سلام
فعل مجهول چیست می‌دانید؟
ژاله از درس من چه فهمیدی؟
ده جوابم بده کجا بودی
خشمگین انتقام جو گفتم
دختری طعنه زد که نه خانم

بهبهانی، در سروده‌های نخستین خود با طرح ساده و سطحی مسائل زودگذر اجتماعی، زمینه‌های تحول و تکامل خود را فراهم می‌کند. از دهه شصت به بعد است که بسیاری از ضوابط مرسوم غزل در شعر سیمین شکسته می‌شود و غزل در آسمانی گسترده‌تر بال باز می‌کند و حیاتی تازه می‌یابد. او در این دوره، جهان معاصر خود را با همه ویژگی‌هایش، با زبانی امروزی به شعر می‌کشد و با مخاطبان خود به سادگی پیوند می‌خورد. مضامین این دوره از اشعار سیمین بهبهانی همان مضامینی است که هر روزه به چشم خویش می‌بیند و با آن‌ها زندگی می‌کند (حسن لی و حیدری، ۱۳۸۵).

در چشمه روشن، در پیوند با غزل «مردی که یک پا ندارد» آمده است: «وقتی شعری از من شاعر و حدیث نفس فراتر می‌رود و جنبه دیگر دوستی به خود می‌گیرد، بی‌گمان گروهی بیشتر را تحت تأثیر قرار می‌دهد زیرا عوامل انسانی، شمول و وسعتی فراخ‌دامن و فراگیر دارد، آن چه موجب وسعت تأثیر شعر می‌شود و به خصوص در دوام و بقای آن مؤثر می‌افتد کلیت و احتمال معنی و جوهر سخن است (یوسفی، ۱۳۵۶)». به‌طور کلی در شناخت پیوند اشعار سیمین بهبهانی با زندگی معاصر، می‌توان گفت که جلوه‌های زندگی امروز و پدیده‌های مربوط به آن، در نخستین سروده‌های سیمین بهبهانی حضور کمتر دارند و بیشتر به گونه‌های سطحی، خام و سنتی بیان شده‌اند، اما در مجموعه‌های آخر او اشعاری پخته با ساختاری استوار، جلوه‌های گوناگون دنیای امروز را به شایستگی و شیرینی باز می‌تابند. در برخی از این سروده‌ها، هیچ عنصر سنتی از شعر گذشته - به جز وزن و قافیه - بر جای نمانده است (حسن لی و حیدری، ۱۳۵۸). از دیدگاه بهبهانی «نباید کتاب‌های کهن، ملاک شیوه اندیشه و احساس و بینش قرار گیرد. منبع الهام شاعران باید طبیعت امروزی، جامعه امروزی، نیازهای جهان امروزی و طرز سخن گفتن امروزی باشد» (بهبهانی، ۱۳۷۸).

۴- نقش زبان در اشعار بهبهانی

در میان شاعران معاصر فارسی، سیمین بهبهانی هم به لحاظ «چه‌گفتن» و هم به لحاظ «چگونه گفتن» شاعر موفقی است. او به تمامی نماینده «غزل نو» امروز است. غزل نو از تأثیر شعر نو بر غزل شکل گرفت. این نوع غزل در قلمرو زبان و تعبیرات، تفاوت‌های آشکاری با غزل گذشته دارد. غزل‌سرایان معاصر در غزل به جای سودجویی از مضامین تکراری و زبانی سرشار از ترکیبات ملال‌آور اندیشه‌های شاعرانه خویش را، با زبان و ترکیبات دل‌پذیر و سحرآفرین صورت بسته‌اند (شریفیان، ۱۳۸۴). دایره لغوی زبان شعر سیمین، به دلیل آشنایی او با ادبیات پر بار کلاسیک و نیز استفاده او از زبان و کلمات عامیانه بسیار وسیع است (همان، ۱۳۸۴). سیمین در سخنان خود بارها از ارزش ادبیات کلاسیک و نقش آن در زبان شعر، سخن گفته است: «ادبیات کلاسیک، پدر و مادر شعر مدرن هستند. هیچ مولودی از زیر بته بیرون نمی‌آید. علت همه شکست‌ها، بی‌خبری از گذشته ادبی عظیم ماست، آن‌ها که ابعاد وسیع ادبیات گذشته را درک نکرده‌اند، بر چه مبنا می‌خواهند شعر بنویسند، با کدام زبان؟ با همین پانصد، هزار واژه که هر اندک مایه‌ای با آن سخن می‌گوید؟ واژه‌های مترادف درست است که مفهوم تقریبی‌شان یکی است اما بار معنایی‌شان، تأثیر صوتی‌شان، ارزش دیداری‌شان، برای شنونده و خواننده تصاویر مختلف ایجاد می‌کند (بهبهانی، ۱۳۸۲)». زبان سیمین، زبان کتاب است که پا به کوچه می‌گذارد و در برخورد با زبان کوچه سوده می‌شود، بی‌آن که فرسوده شود. بی‌گمان زبان او، زبانی مشخص است طوری که می‌توان آن را از میان زبان‌های مختلف شاعران معاصر، به راحتی تشخیص داد (کریم‌خانی، ۱۳۸۳).

۵- اوزان تازه در اشعار سیمین بهبهانی

در نخستین مواجهه با اشعار سیمین بهبهانی، کاربرد اوزان تازه و بی‌سابقه و تنوع و تعداد اوزان عروضی در اشعار او چشم‌گیر است. او با نوآوری در اوزان شعری خود حال و هوا و طراوتی خاص به اشعارش بخشیده و با پرداختن به مفاهیم و مضامین روز در قالب اوزان تازه شیوه‌ای جدید و نآزموده را در شعر پارسی پدید آورده است. اگرچه در نگاه نخست به دلیل مأنوس نبودن خواننده با اوزان ابداعی سیمین اشعار او چندان خوش‌آهنگ به نظر نمی‌رسد اما به تدریج بر اثر کاربرد زیاد و انس و عادت زیبایی و دل‌نشینی آن احساس می‌شود (محمدی، ۱۳۹۰). به هر روی سیمین خود را به اوزان تکراری و سنتی گذشته محدود نساخته و با بهره‌گیری از اوزان متعدد و متنوع به اشعار خود تازگی و طراوتی خاص بخشیده است. او از راه ابداع یا احیای وزن‌های تازه یا ناشناخته، به آشناندایی از قالب کهن غزل ره برده و در پی این بدعت، توانسته است قالب غزل را پذیرای فضاهای معنایی تازه کند (حقوق‌شناس، ۱۳۷۰). سیمین وزن‌های ابداعی خود را نتیجه پاره‌های کلامی می‌داند که به ذهنش رسیده است و اقرار می‌کند که پیش از اندیشیدن به وزن به آن چه می‌خواهد بگوید می‌اندیشد (همان، ۱۳۷۰). البته ناگفته نماند که وی معتقد است به‌کارگیری اوزان بی‌سابقه و تازه نوعی کشف است و نه آفرینش و ابداع، یعنی چیزی وجود دارد اما ناشناخته مانده است، شاعر آن را می‌یابد و می‌شناساند (بهبهانی، ۱۳۷۶). او درباره علت سرودن اشعارش در اوزان تازه می‌گوید: «برای من که می‌خواستم در شکل هندسی غزل مفاهیم روز را به‌کار گیرم مشکل بود که همان بیست و چند وزن آشنا را به‌کار گیرم. لازم بود که گستره بکر و نآزموده‌ای پیش روی داشته باشم که دست‌آموز هیچ قانون و قاعده لغوی نباشد. من در اوزان قدیم هرگز نمی‌توانستم غزلی جدی بسرایم که در آن واژه شلوار آمده باشد اما در یک وزن ناآشنا به‌آسانی این کار را می‌کنم (الهی، ۱۳۷۶)». با نگاهی به اشعار سیمین در می‌یابیم که وی در دوره‌های مختلف شاعرانه خود رویکردهای مختلف داشته است گاه چهره‌های واقعی اجتماع را درون مایه شعرش کرده و گاه این شیوه را کنار گذاشته و در غزل دست به تجربه زده است. او با آوردن مفاهیم و معانی نو در قالب غزل دست به نوآوری در شیوه بیان و معنی زده و اوزان کم‌سابقه را در اشعار خود اساس قرار داده است. به عبارتی دیگر سیمین در وزن شعر کلاسیک دست به نوآوری می‌زند و از لحاظ فرم گرچه اشعار وی ریشه در شعر کلاسیک فارسی دارد، اما در آن اشعار محدود نمی‌شود و با دریافته‌ها، تجربه‌ها، تصاویر خلاق و با زبان و گستره واژگان غنی دست به نوآوری می‌زند از این رو، در شعر سیمین تصاویر کهنه گذشته در کنار تصاویر نوظهور و بی‌نظیری قرار دارند. بدین طریق ترکیب روش درونی و نرم محاوره و مجادله با خود همه سبب شده است که وی با شعر و ادب گذشته به خوبی آشناست و از پرتو این آگاهی می‌تواند در شعر صاحب سبک باشد (بناپور، ۱۳۸۳).

دنیای معاصر با پدیده‌های صنعتی و تازه، ویژگی‌هایی به‌کلی متفاوت از گذشته پیدا کرده است، بر همین اساس شاعرانی که معاصرند و در جهان امروز زندگی می‌کنند به‌جای آن‌که از زاویه نگاه شاعران گذشته به زندگی و مسائل آن نگاه کنند و تصویرهای کهنه را تقلید نمایند، با چشمان خود می‌نگرند و عناصر و ابزار بیانی خود را از جهان امروز برمی‌گیرند تا فرزند زمان خویشتن باشند. روش سیمین نیز این‌گونه بود که با تحولاتی که در زندگی معاصر روی داده، آرام‌آرام از غزل‌های سنتی فاصله گرفته و جویای تجربه‌های تازه در غزل شده است. او هم‌چنین کوشیده است تا زخم‌ها و دردهای مردم جامعه خود را فریاد بکشد و فرزند زمان خویش باشد. بدون شک بهبهانی، «بانوی غزل معاصر» است و هر چه را که با عواطف و دریافت و درک بستگی داشته، با اساس قرار دادن ساختار به سهولت در شعرش طرح می‌کند و با نوآوری در شیوه بیان و معنی و کاربرد اوزان نو و کم‌سابقه دست به نوآوری می‌زند و زبان شعرش را مخصوص به خود می‌کند.

نتیجه

در این جستار، به بررسی ویژگی‌های فرمی و روند محتوای اجتماعی در شعر سیمین بهبهانی پرداخته شد. یافته‌ها حاکی از آن است که جلوه‌های زندگی امروز و پدیده‌های مربوط به آن، در نخستین سروده‌های سیمین بهبهانی حضور کمتر دارند و بیشتر به‌گونه‌ای سطحی، خام و سنتی بیان شده‌اند، اما در مجموعه‌های آخر او اشعاری پخته با ساختاری استوار، جلوه‌های گوناگون دنیای امروز را به شایستگی و شیرینی باز می‌تابند، بطوری که در برخی از این سروده‌ها، هیچ عنصر سنتی از شعر

گذشته- به جز وزن و قافیه- بر جای نمانده است. دو عامل مهم فقر و سرخوردگی عاطفی که ریشه بسیاری از معضلات اجتماعی است، از مفاهیم اصلی نخستین سروده‌های سیمین بهبهانی بود. البته در اوایل دوره شاعری، او نیز هم‌چون بیشتر شاعران رمانتیک، بیشتر آه و ناله سر می‌دهد و به مرحله تحلیل و ارائه راه‌حل نمی‌رسد. ویژگی مهم سروده‌های دوره اول او، فقدان تصاویر و فضاهای تازه و امروزی‌ست، گرچه به مضامین متنوع و جدید چون زندگی کارمندی، خودفروشی، روسپی‌گری، مهاجرت روستایی، دوره‌گردی، ولگردی، طلاق، جیب‌بری، کارگری و... اشاره شده است. درحالی‌که در مجموعه‌های بعد، در بیشتر سروده‌ها عاطفه شعر عمق و گسترش یافته و شعر در دایره‌ی لحظه‌ای خاص محدود نمانده است و برداشت از کل شعر منحصر به زمان و مکان خاصی نمی‌شود. در مجموعه رستاخیز، مسائل اجتماعی - سیاسی جامعه به تدریج رنگ تازگی و امروزی به خود گرفته است. شاعر، ضمن فاصله گرفتن تدریجی از غزل گذشته، سعی کرده تا به نوآوری‌هایی دست یابد. از دهه شصت به بعد است که بسیاری از ضوابط مرسوم غزل در شعر سیمین شکسته می‌شود و غزل در آسمانی گسترده‌تر بال باز می‌کند و حیاتی تازه می‌یابد. او در این دوره، جهان معاصر خود را با همه ویژگی‌هایش، با زبانی امروزی به شعر می‌کشد و با مخاطبان خود به سادگی پیوند می‌خورد. به‌طور کلی در میان شاعران معاصر فارسی، سیمین بهبهانی هم به لحاظ «چه‌گفتن» و هم به لحاظ «چگونه گفتن» شاعر موفق است. او به تمامی نماینده «غزل نو» امروز است. در نخستین مواجهه با اشعار سیمین بهبهانی، کاربرد اوزان تازه و بی‌سابقه و تنوع و تعداد اوزان عروضی در اشعار او چشم‌گیر است. او با نوآوری در اوزان شعری خود حال و هوا و طراوتی خاص به اشعارش بخشیده و با پرداختن به مفاهیم و مضامین روز در قالب اوزان تازه شیوه‌ای جدید و نآزموده را در شعر پارسی پدید آورده است. با نگاهی به اشعار سیمین در می‌یابیم که وی در دوره‌های مختلف شاعرانه خود رویکردهای مختلف داشته است گاه چهره‌های واقعی اجتماع را درون مایه شعرش کرده و گاه این شیوه را کنار گذاشته و در غزل دست به تجربه زده است. او با آوردن مفاهیم و معانی نو در قالب غزل دست به نوآوری در شیوه بیان و معنی زده و اوزان کم‌سابقه را در اشعار خود اساس قرار داده است.

منابع

- ۱- الهی، صدرالدین (۱۳۷۶). ابداع اوزان تازه در شعر فارسی، مجله ایران‌شناسی، دوره دوم، شماره اول، بهار، ۱۳۴-۱۱۷.
- ۲- بناپور، هاشم (۱۳۸۳). زنی با دامنی شهر، مجله بخارا، دوره اول، شماره اول، پاییز، ۹۰-۸۰.
- ۳- بهبهانی، سیمین (۱۳۷۸). یاد بعضی نفرات، چاپ دوم، تهران، نشر البرز.
- ۴- بهبهانی، سیمین (۱۳۸۲). مجموعه اشعار، چاپ سوم، تهران، انتشارات نگاه.
- ۵- بهبهانی، سیمین (۱۳۷۶). تازه‌ها، چاپ اول، تهران، انتشارات زوار.
- ۶- بهبهانی، سیمین، غزل زنده می‌ماند، روزنامه همشهری، شماره ۳۲۰۷.
- ۷- حسن‌لی، کاووس و حیدری، مریم (۱۳۸۵). بررسی عناصر زندگی معاصر در شعر سیمین بهبهانی، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و پنجم، شماره سوم، پاییز، ۱۰۰-۸۵.
- ۸- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۷۰). مقالات ادبی و زبان‌شناختی، چاپ اول، تهران، انتشارات نیلوفر.
- ۹- شریفیان، مهدی (۱۳۸۴). نقش زبان در شعر سیمین بهبهانی، مجله پژوهش‌نامه ادب غنایی، دوفصل‌نامه، شماره چهارم، ۷۵-۹۵.
- ۱۰- فوران، جان (۱۳۸۰). مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران، انتشارات رسا.
- ۱۱- کریم‌خانی، مسعود (۱۳۸۳). شعر نیمایی از نیما یوشیج تا سیمین بهبهانی، مجله واژه، دوره دوم، شماره سوم، ۹۸-۸۷.
- ۱۲- محمدی، داود (۱۳۸۰). معرفی اوزان تازه و نادر در اشعار سیمین بهبهانی، مجله مطالعات زبانی بلاغی، فصل‌نامه، شماره سوم، بهار و تابستان، ۱۳۶-۱۱۱.
- ۱۳- یوسفی، غلامحسین (۱۳۵۶). چشمه روشن، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی